

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

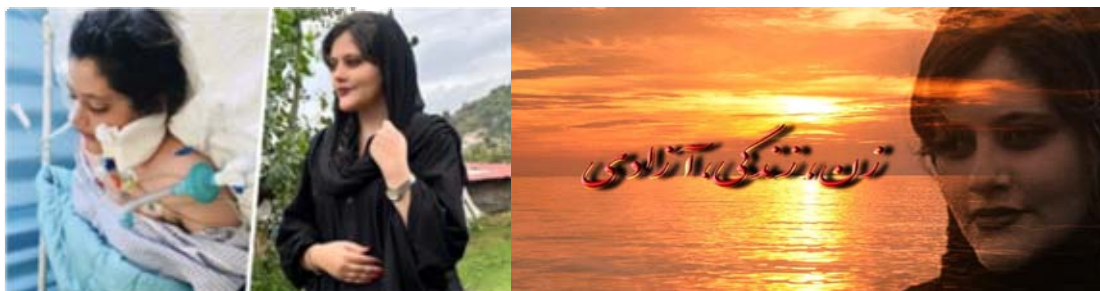
بهرام رحمانی

۲۳ سپتمبر ۲۰۲۲

گسترش اعتراض‌های خیابانی پس از جانباختن مهسا امینی!

مهسا (ژینا) امینی عصر روز سه‌شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ از سوی گشت ارشاد تهران بازداشت و به پلیس امنیت تهران منتقل شد. تصاویر دوربین مداربسته نشان داد که وی پس از گفت‌وگو با یکی از نیروهای حاضر در سالن بازداشتگاه وزرا روی زمین می‌افتد. وی پس از سه روز بستری بودن در بیمارستان کسری تهران روز جمعه ۲۵ شهریور جان باخت. پیکر او در زادگاهش سقز با حضور شمار زیادی از مردم معترض و خشمگین به خاک سپرده شد. بیمارستان کسری علت مرگ مهسا امینی را سکته قلبی و مغزی اعلام کرد.

شعار «زن، زندگی، آزادی» پس از جان باختن مهسا، در سراسر ایران طنین‌انداز شده و سبب اتحاد و همبستگی مبارزاتی بخش آگاه و رادیکال جامعه ایران، به‌ویژه دفاع از حقوق و آزادی‌های زنان شده است. شکی نیست که زنان در انقلاب آتی ایران و یا هرگونه تغییر و تحولی در جامعه ایران به نفع مردم و زندگی بهتر، دوش به دوش مردان آزادی‌خواه و برابری‌طلب حرکت خواهند کرد و چه بسا رهبری انقلاب و تحولات آتی را زنان در دست گیرند.



تصاویر از ایران نشان می‌دهند که زنان در مقابل نیروهای مسلح انتظامی روسری از سر برمی‌دارند و مردان در مقابل ماموران مقاومت می‌کنند. در برخی فیلم‌ها دیده می‌شود که ماموران مسلح از دست معترضان می‌گریزند. همچنین در ویدیوهای منتشر شده به شهرهای تبریز، رشت، سردشت، و چند شهر دیگر نیروهای امنیتی پناه مستقیماً به مردم شلیک می‌کنند.

معترضان در کرمان، زادگاه قاسم سلیمانی فرمانده سابق نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پوستر بزرگی از او را پاره کرده و آن را به آتش کشیدند. در آمل نیز معترضان ساختمان فرمانداری را آتش زدند و پوستر علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی را پاره کردند.

در پی جان باختن مهسا امینی پس از سه روز کما، موجی از خشم جامعه ایران را فراگرفته است. روز شنبه و پس از خاکسپاری این جوان ۲۲ ساله کرد در گورستان آچی سقر نیز شهروندان معترض در این شهر و سپس سنندج به خیابان آمدند.

این اعتراض‌ها با شعار علیه علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی، و آتش زدن تصاویر او همراه بود. در تهران دانشجویان دانشگاه‌های امیرکبیر، تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی و دانشگاه صنعتی شریف نیز در اعتراض به کشته‌شدن مهسا امینی با برپایی تجمع شعارهایی علیه حکومت سردادند از جمله: «خونین تمام ایران از کردستان تا تهران»، «زن، زندگی، آزادی»، «کشتن برای روی‌سری تا کی چنین خاک بر سری...» دانشجویان دانشگاه امیرکبیر در بیانیه‌ای که در تجمع اعتراضی خود منتشر کردند از جمله گفتند: «روزی قاتلان مهسا و تمامی قربانیان چهار دهه گذشته که چند صبحی پایه‌های کاخ ستم خود را بر سیل خون مردم بنا کرده‌اند، به دست عدالت ملت سپرده خواهند شد.»

فعالان حقوق زنان در تهران نیز تجمع در اعتراض به کشته شدن مهسا امینی در تقاطع خیابان حجاب و بلوار کشاورز تجمع کردند. ر با ۹

اعتراض‌های جاری که هم‌زمان است با سفر ابراهیم رئیسی به نیویورک برای شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل، برخی محافل و نمایندگان قدرت در ایران را نسبت به برپایی تظاهرات اعتراضی در خارج از کشور علیه ابراهیم رئیسی و حکومت اسلامی نگران کرده است. در این باره علاوه بر روزنامه «همشهری» وابسته به شهرداری تهران، برخی نمایندگان مجلس اسلامی و مهدی فضائلی، عضو دفتر نشر آثار علی خامنه‌ای، هشدار داده و گفته‌اند که اعتراض‌های جاری «اصل نظام را نشانه گرفته‌اند.»

در حالی اعتراض‌ها به جان‌باختن مهسا، در شهرهای مختلف ایران به ویژه شهرای کردستان در جریان است که ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور قتل حکومت اسلامی راهی سازمان ملل شده است تا در نشست مجمع عمومی این سازمان شرکت کند.

او هنگامی که راهی آمریکا بود سه دروغ بزرگ و به اصطلاح شاخدار را پیش کشید: ۱- هولوکاست دروغ است؛ زنان در ایران خودجوش حجاب‌شان را رعایت می‌کنند و سوم این که زندانیان سیاسی که در سال ۶۷ اعدام شدند همگی تروریست بودند!

در ادامه همین بحث، نگاهی اجمالی به همین اعتراضات اخیر خیابانی پس از جان باختن مهسا می‌اندازیم. در یک هفته اخیر و به دنبال قتل مهسا امینی توسط گشت ارشاد حکومت؛ اعتراضات گسترده ضد حکومتی در سراسر کشور برگزار شده است. مردم در ابعاد وسیع در بسیاری از شهرها به خیابان‌ها آمده ضمن محکوم کردن این جنایت حکومت، علیه کلیت حکومت اسلامی دست به تظاهرات زدند. حضور برجسته و چشمگیر زنان؛ زنانی که حجاب از سر برداشتند و یا حجاب‌شان را سوزاندند در کنار تعرض مردم به نیروهای سرکوبگر و وادار کردن‌شان به عقب‌نشینی، همه‌چنین به میدان آمدن دانشجویان دانشگاه‌های مختلف تهران، از فرازهای مهم این اعتراضات بود.

باگذشت یک هفته روز از مرگ مهسا امینی در بیمارستان کسری (تهران)، قتل او به دست گشت ارشاد و پلیس حکومت موجی از خشم عمومی را در پی داشت که دامنه آن از واکنش در شبکه‌های مجازی به اعتراض‌های خیابانی کشیده شد و روزبه‌روز وسیع‌تر و گسترده‌تر می‌شود.

علاوه بر انعکاس وسیع در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان و واکنش نهادهای مردمی و برخی از شخصیت‌های ایرانی، این واقعه دل‌خراش و تکان‌دهنده در رسانه‌های بین‌المللی نیز وسیعاً منتشر گردید.

در چنین شرایطی، تهدیدهای پلیسی و تیراندازی به معترضین و خبر تماس تلفنی سردهسته قاتلان حکومتی، یعنی ابراهیم رئیسی با خانواده مهسا امینی نتوانست خشم عمومی نسبت به حکومت را کاهش دهد. همچنین حتی برکناری مصلحتی رییس پلیس امنیت اخلاقی تهران نیز نتوانست خشم و نفرت معترضین را کاهش دهد.

با وجود این که رسانه‌ها و نهادها و مقامات و حامیان حکومت اسلامی ایران در داخل و خارج با انواع و اقسام ترفندها و توجیهات سعی کردند کشتن مهسا امینی توسط پشت ارشاد را حاشیه‌ای کنند و یا تنها به درخواست برداشتن گشت ارشاد از خیابان‌ها محدود نمایند اما موفق نشدند خشم عمومی را کاهش دهند. با این وجود، بخش آگاه جامعه نشان دادند که آلترناتیو آن‌ها مبارزه علیه کلیت حکومت اسلامی در کف خیابان‌هاست. جنبش خیابانی، عملاً نشان داد که نه یک نهاد و یک نیروی سرکوبگر حکومتی و معرفی عاملان قتل مهسا، بلکه سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و برپایی یک جامعه نوین که آزادی زنان در راس آن قرار گیرد را مدنظر دارند.

یک سال پس از روی کار آمدن دولت رئیسی، سرکوب زنان و دخالت حکومت در امور شخصی مردم به حدی رسیده است که شهروندان حتی در خانه‌های خود حس امنیت و آزادی ندارند.

ستاد امر به معروف که خود از مدافعان شدت‌گرفتن فشارها در موضوع مقابله با بدحجابی بود، برای این که خشم اعتراضات مردمی را کم کند با عقب‌نشینی آشکار از مواضع پیشین خود، در بیانیه‌ای اعلام کرده است: «باید مسئله جرم بودن بدحجابی که نیاز به دستگیری و پرونده‌سازی و دادگاهی شدن دارد، برداشته شود و بر اساس طرح جامع عفاف و حجاب، با نگاه تخلف با بدحجابی برخورد گردد که به حل مسئله بدون هرگونه تنش اجتماعی کمک می‌کند.»

این سخنان با گفته‌های هفته‌های اخیر دبیر این ستاد مبنی بر ضرورت شدت‌گرفتن برخورد پلیس و جرم‌انگاری و جرمه زنان از طریق شناسایی چهره‌های آنان، مغایرت دارد.

اما بیانیه ستاد امر به معروف نشان می‌دهد که مسئولان این ستاد نیز مانند بقیه اجزای حکومت، متوجه سطح توقع جامعه نیستند؛ چرا که بر اساس آنچه طی روزهای اخیر مطرح شده است، دیگر نه اعتراض به نحوه برخورد ماموران گشت ارشاد، که مطالبه تغییر در نگرش مداخله‌گرانه حکومت در زندگی و پوشش افراد است.

روز دوشنبه ۲۸ شهریور - ۱۹ سپتامبر، انتشار دو خبر از سوی مقام‌های عالی حکومت، نشان‌دهنده تلاش حکومت برای کنترل خشم جامعه بود. نخست بیانیه ستاد امر به معروف و نهی از منکر در مخالفت با تداوم فعالیت گشت ارشاد به رسانه‌ها آمد و در ادامه، خبر برکناری رییس پلیس امنیت اخلاقی تهران منتشر شد، اما هیچ‌یک از این موارد شعله خشم عمومی را خاموش نکرد.

این بیانیه‌ها و برکناری‌ها، واکنش‌هایی برای جلوگیری از فراخوان گسترده تجمع در شهرهای ایران است که از صبح روز دوشنبه با تجمع دانشجویان در دانشگاه‌ها آغاز شد؛ به‌ویژه که انتشار اخبار و اسنادی که ضرب‌وجرح مهسا امینی به دست ماموران گشت ارشاد را روشن می‌کند، سبب شده است که موارد پیشینی نیز که احساسات جامعه را جریحه‌دار کرده بود، بار دیگر بازخوانی شوند.

ضرب و شتم شدید مهسا امینی، نشان‌دهنده تشدید خشونت ماموران گشت ارشاد در ماه‌های گذشته علیه زنان ایرانی است. در حقیقت حکومت اسلامی از همان روزهای نخست به قدرت رسیدنش در سال ۱۳۵۷، هم‌زمان با سرکوب زنان، سرکوب دستاوردهای انقلاب ۵۷ را نیز آغاز کرد و تا به امروز ادامه دارد.

اکنون سرکوب شدید زنان به حدی بحرانی است که اعتراض به نحوه مقابله حکومت با مسئله حجاب، از بدنه مخالفان حکومت فراتر رفته و بسیاری از چهره‌های حامی حجاب اسلامی نیز تداوم سیاست سرکوب زنان به نام دفاع از حجاب را محکوم کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی پر از نوشته‌های زنانی است که با وجود باور به حجاب، می‌نویسند از این‌که شبیه ماموران زن گشت ارشاد به خیابان بیایند، شرمگین‌اند.

امجد امینی در مصاحبه‌ای خواهان محاکمه افرادی که مهسا امینی را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند شد. پدر او در مصاحبه با رویداد ۲۴ از وارد آمدن ضربه‌های شدید به پیکر دخترش سخن گفته است. گزارش‌های متعددی هم حاکی از وارد شدن ضربه مغزی به سر مهسا امینی است.

پس از اعلام خبر انتقال مهسا امینی از بازداشتگاه خیابان وزرا به بیمارستان کسری، اعتراض‌های مردمی در فضای مجازی و خیابان‌های سراسر ایران آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. ماموران امنیتی نیز با خشونت و شلیک مستقیم به‌دنبال سرکوب معترضان‌اند.

اتحادیه اروپا نیز در بیانیه‌ای از حکومت ایران خواست نسبت به قتل مهسا امینی پاسخ دهد. هم‌زمان قالیباف در مجلس وعده رسیدگی به «حادثه درگذشت مهسا امینی» داد. به‌دنبال بروز اعتراض‌های خیابانی که با شلیک به سوی شهروندان و دستگیری آن‌ها همراه بود، استاندار تهران و شورای عالی انقلاب فرهنگی معترضان را «غیرعادی» و دشمن خواندند و آن‌ها را تهدید کردند.

سخنان امجد امینی، پدر مهسا(ژینا) امینی

امجد امینی، پدر مهسا(ژینا) امینی، در تازمترین مصاحبه خود با «رویداد۲۴» اعلام کرد که درخواست او برای دسترسی به دوربین‌های داخل ون گشت ارشاد و حیاط ساختمان وزرا بدون جواب مانده و تأکید کرد ماموران گشت ارشاد مهسا را به‌شدت مورد خشونت فیزیکی قرار داده‌اند و شواهد مربوط به این خشونت را که بر بدن او نمایان بوده پنهان کرده‌اند. خشونتی که در نهایت به قتل این زن منجر شده است.

امجد امینی سه‌شنبه ۲۹ شهریور-۲۰ سپتامبر به «رویداد۲۴» گفت برخورد فیزیکی با دخترش با «وسایل مختلف» صورت گرفته است:

«مهسا به ماموران گفته بود تو را خدا بگذارید من بروم. من شهرستانی‌ام، این‌جا غریبم. برادرم هم ۱۶ سال بیش‌تر ندارد، بگذارید من بروم. من که لباس پوشیده است اما در همین حین یکی از ماموران مهسا را هل می‌دهد و با او برخورد فیزیکی می‌کنند. این برخورد با وسایل مختلف صورت گرفته است. ضمن این‌که چند دختری که داخل ون بودند، بعد از حادثه با من تماس گرفتند و گفتند داخل ون با مهسا برخورد فیزیکی شده است.»

«بنده درخواست دسترسی به دوربین‌های داخل ون و حیاط ساختمان وزرا را کردم، اما هیچ جوابی به من ندادند! هر فیلمی هم که در فضای مجازی منتشر شده، سانسور شده است.»

امجد امینی به تقطیع تصاویر منتشرشده و تعلل ماموران گشت ارشاد در رساندن مهسا امینی به بیمارستان اشاره کرد و گفت:

«همه حرف‌ها و فیلم‌هایی که نشان می‌دهند دروغ است و ما نتوانستیم هیچ چیزی را متوجه شویم. با وجود برخورد با مهسا و وخامت حال او، حتی سعی نکردند او را سریع‌تر به بیمارستان ببرند و در انتقال مهسا به مراکز درمانی تعلل کردند. پزشکان و پرستاران می‌گفتند اگر مهسا را زودتر به بیمارستان می‌بردند کار به این‌جا نمی‌کشید.» وی درباره آثار خشونت بر بدن مهسا امینی، که تنها یکی از زنانی‌ست که خشونت گشت ارشاد بر او در رسانه‌ها منعکس می‌شود، گفت:

«وقتی به بیمارستان رفتیم، نمی‌گذاشتند مهسا را ببینیم. همه سر و بدن او را پوشانده بودند تا ما کبودی‌های بدنش را نبینیم! فقط صورت و کف پای دخترم را توانستم ببینم که البته من با هزار بدبختی توانستم کبودی‌های پای مهسا را ببینم. همان ابتدا هم پرستاران بیمارستان کسری به من گفتند آن‌قدر دیر مهسا را به بیمارستان انتقال دادند که ما هیچ کاری نتوانستیم بکنیم.»

امجد امینی با اشاره به این‌که ماموران گشت ارشاد مهسا در حالی که هوشیاری نداشته به‌تنهایی سوار آمبولانس کرده و او را بدون همراه ترک کرده‌اند، ادامه داد:

«هیچ‌کس را هم با مهسا به بیمارستان نفرستادند. یعنی دخترم را سوار آمبولانس کردند و خودشان رفتند! اگر برادرش اشکان نبود هیچ‌وقت نمی‌توانستیم مهسا را پیدا کنیم. پرستاران می‌گویند وقتی مهسا را به بیمارستان آوردند هیچ‌کس همراهش نبود و نمی‌دانستیم به چه شکل به شما خبر بدهیم. یعنی دختر بیهوش من را بدون هیچ همراهی به بیمارستان انتقال دادند. برادر ۱۶ ساله مهسا با هزار بدبختی توانست این بیمارستان را پیدا کند، چون اشکان اولین بارش بود که به تهران آمده بود و اصلاً آنجا را بلد نبود نمی‌خواهند که مشخص شود چه بر سر دخترم آورده‌اند. من هشت‌گردد بودم و تقریباً دو ساعت طول کشید تا توانستم خودم را به بیمارستان برسانم وقتی هم رسیدم اجازه نمی‌دادند مهسا را ببینم. ما دستگاه‌های تنفسی را دیدیم، اما من که پزشک نیستم تا بدانم آیا واقعا دستگاه وصل بوده یا نه. فقط خدا می‌داند چه بلایی سر دختر من آوردند.»

امینی در ادامه ادعای رئیس پلیس تهران درباره این‌که مهسا امینی در زمان بازداشت لباس دیگری به‌تن داشته را رد کرد و گفت:

«بنده صراحتاً همه اظهارات سردار رحیمی فرمانده نیروی انتظامی را تکذیب می‌کنم؛ لباس مهسا هیچ مشکلی نداشت. ایشان می‌گویند لباس مهسا با لباسی که در فیلم دوربین‌ها به تن دارد کاملاً متفاوت است، بنده می‌گویم این حرف کذب است و اصلاً چنین چیزی وجود ندارد.»

سردار رحیمی، رئیس پلیس تهران بزرگ روز دوشنبه در مصاحبه‌ای مدعی شده بود: «پوشش و لباس خانم امینی با آنچه در تصویر کلاس آموزشی منتشر شده متفاوت بوده است» و گفته بود: «ایشان همراه سه خانم و دو آقا در پارک طالقانی در حال قدم زدن بوده که با گشت ما رو به می‌شوند. حجاب خانم‌های دیگر با تذکر قابل رفع بوده و تنها حجاب خانم امینی مناسب نبود.»

پدر مهسا امینی ضمن تاکید بر این‌که پافشاری او مانع خاکسپاری شبانه دخترش شده، خواهان محاکمه علنی مسئول قتل مهسا شد و افزود:

«ناراحتی من این است که مقامات و مسئولان هر روز در حال دروغ‌پراکنی در مورد دختر من هستند. گفتند که مهسا بیماری قلبی و صرع دارد در حالیکه من که پدر او هستم و ۲۲ سال او را بزرگ کردم با صدای بلند می‌گویم که مهسا هیچ بیماری‌ای نداشته و در کمال صحت و سلامت کامل بود. آن کسی که دخترم را زده است، باید محاکمه شود؛ آن هم در یک دادگاه علنی نه اینکه الکی توبیخ و اخراج کنند. اجازه نمی‌دهم خون دخترم پایمال شود.»

سخنان سخیف ابراهیم رئیسی در ملل متحد

ابراهیم رئیسی هشتمین رییس‌جمهوری حکومت اسلامی ایران است. او جانشین وقت دادستان تهران در پرونده اعدام‌های سال ۶۷ و عضو کمیته رسیدگی به وضعیت زندانیان سیاسی بود که به نام هیأت مرگ معروف شده است. رییس‌جمهوری که سازمان‌های حقوق بشری جهان خواستار تحقیقات کیفری درباره نقش او در «جنایت علیه بشریت» هستند.

رئیسی سال گذشته برای اولین بار و به‌صورت آنلاین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخنرانی کرد. امسال اما تنها اعلام خبر سفر رئیسی به نیویورک، در شهریور ماه ۱۴۰۱ مخالفت‌های گسترده‌ای را به دنبال داشت. گرچه حتی سخنرانی آنلاین او در سال گذشته هم با اعتراض گسترده مخالفان حکومت اسلامی در برابر ساختمان سازمان ملل روبه‌رو شده بود.

روز چهارشنبه ۲۱ سپتامبر-۳۰ شهریور، ابراهیم رئیسی در حالی سخنرانی خود در مقر سازمان ملل را آغاز کرد که موج اعتراض‌ها در شهرهای ایران همچنان ادامه داشت.

اما رئیسی از تظاهرات ایرانیان چیزی نگفت و در مقابل، کشورهای غربی را به بی‌عدالتی متهم کرد. او گفت: «این‌که کشوری در داخل خود مدعی عدالت باشد اما در خارج، انواع تروریست‌ها را تربیت کند و به جان ملت‌ها بیاندازد، باید هم از بشریت شرم کند، هم از آزادی، و هم از عدالت».

به ادعای او «جمهوری اسلامی، استانداردهای دوگانه برخی از دولت‌ها در زمینه حقوق بشر را مهمترین عامل نهادینه شدن نقض حقوق انسان دانسته که پیامد آن، موضع‌گیری‌های متنوع و متعدد در قبال یک رخداد در حال بررسی در جمهوری اسلامی ایران و سکوت مرگبار درباره قتل ده‌ها زن بی‌پناه در مدت کوتاهی در یکی از کشورهای غربی است».

رئیسی در مورد جنگ اوکراین فقط آمریکا و «یک‌جانبه‌گرایی» آن را متهم کرد و گفت: امروز «هژمونی‌طلبی و روحیه جنگ سرد دنیا را آزار می‌دهد» اما «آمریکا نظامی‌گری را مایه امنیت تصور می‌کند». از نظر او «ماهیت لشکرکشی به غرب آسیا و گسترش ناتو به شرق اروپا تفاوتی با یکدیگر ندارند» رئیسی تجاوز نظامی روسیه به اوکراین را محکوم نکرد.

او با نشان دادن عکسی از قاسم سلیمانی گفت: «رسیدگی عادلانه قضایی به جنایتی که رییس‌جمهور سابق آمریکا (ترامپ) به آن اعتراف کرده، خدمت به انسانیت است».

به گفته برخی معترضان به حضور رئیسی در نیویورک، وی در حالی عکس سلیمانی را روی دست گرفت که صدها نفر در شهرهای ایران عکس‌های مهسا امینی را در دست گرفته بودند.

رئیسی همچنین با تمجید از پیشرفت‌های ایران تاکید کرد که «مردمسالاری بصورت فراگیر در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی نهادینه شده است».

رئیسی آخرین بخش سخنانش را به پرونده اتمی اختصاص داد و تکرار کرد که «جمهوری اسلامی ایران به دنبال ساخت سلاح اتمی نیست»، اما او در عین حال گفت که ایران به «نقطه‌ی بازدارندگی» رسیده است.

او خواسته اصلی ایران را پای‌بندی همه طرف‌ها به تعهدات خودشان عنوان کرد و با ابراز بی‌اعتمادی نسبت به آمریکا گفت که ایران در مذاکرات اتمی خواهان «تضمین‌های اطمینان‌بخش» است. رئیسی گفت: «معتقدیم گره توافق هسته‌ای از همان جایی باید باز شود که گره خورده است...»



اعتراضات در شهرهای مختلف ایران

روز چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، زادروز مهسا امینی بود. او اگر زنده مانده بود، امروز ۲۳ ساله می‌شد. اعتراضات در سرتاسر ایران از شمال تا جنوب، شرق تا غرب، به قتل تکان‌دهنده او ادامه دارد. اکنون بخش آگاه و خشمگین جامعه ایران در اعتراض به این قتل، خواهان سرنگونی کلیت حکومت اسلامی است. روز چهارشنبه هم بسیاری از شهرهای ایران صحنه تظاهرات پرشور مردم و درگیری با نیروهای انتظامی بود. مردم در مقابل یورش نیروهای سرکوب حکومت با شهادت ایستادگی می‌کنند و ماشین‌ها و موتورهای نظامی آن‌ها را به آتش می‌کشند.

مروری به آنچه در شب پنجمین روز اعتراضات گذشت

امجد امینی، پدر مهسا امینی شب گذشته در برنامه «۶۰ دقیقه» بی‌بی‌سی فارسی گزارش اولیه پزشکی قانونی و هر گونه سابقه بیماری دخترش را رد کرد و آن‌ها را «دروغ» خواند.

تصویری از از زنی پیر که با شعار «مرگ بر خامنه‌ای» و برداشتن روسری، روز پنج‌شنبه اعتراض خود را در شهر رشت نشان می‌دهد.

همزمان با گسترش اعتراضات دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها مانند اینستاگرام و واتس‌آپ در ایران محدود شد.

اعتراضات سراسری تا شامگاه چهارشنبه ۳۰ شهریور به بیش از ۸۰ شهر رسید. در تعدادی از شهرها از جمله در تهران معترضان، تعدادی از تابلوها و بنرهای تبلیغاتی وابسته به حکومت را آتش زدند و شعار «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند.

تور را می‌توانید هم بر روی موبایل و هم کامپیوتر نصب کنید. گروه «انینموس» به کاربران ایرانی توصیه کرده که برای مقابله با سانسور اینترنت از مرورگر «تور» TOR استفاده کنند.

«تور» مرورگری است که اطلاعات کاربران را مخفی می‌کند و دولت‌ها نمی‌توانند آن‌ها را ردگیری کنند. اگرچه مشاهده محتوای اینترنت با این مرورگر بسیار کندتر است، اما «تور» از فیلترهای رایج نیز عبور می‌کند.

گزارش‌ها از ایران حاکی است که اینترنت موبایل از غروب دیروز به شکل گسترده‌ای در سراسر کشور قطع شده و این قطعی همچنان ادامه دارد.

خبرگزاری برنا نوشته است که این قطعی شامل اینترنت خانگی نشده است. اما در عین حال، گزارش‌های بسیاری نیز از کند شدن شدید و در مواردی اختلال و قطعی اینترنت خانگی نیز در برخی نقاط کشور منتشر شده است.

با گسترش اعتراض‌ها، نیروهای بسیجی به کمک نیروی انتظامی، سپاه پاسداران و دیگر نظامیانی آمده‌اند که برخی‌شان با لباس شخصی در سرکوب اعتراض‌ها دست دارند.

خبرگزاری ایرنا به نقل از یک منبع مطلع گزارش داده که یک بسیجی دیشب در مشهد کشته شد. ایرنا به نقل از این منبع نوشته که این بسیجی «به شکل خودجوش و هیأتی» برای مقابله با اعتراض‌ها به خیابان آمده بود و در سه راه راهنمایی مشهد چاقو خورده و قبل از رسیدن به بیمارستان جانش را از دست داده است.

هنوز تعداد دقیق معترضان که توسط نیروهای امنیتی کشته شدند روشن نیست.

خبرگزاری تسنیم از آغاز رژه نیروهای مسلح ایران در تهران و دیگر شهرهای ایران خبر داده است. تسنیم می‌گوید مراسم رژه تهران در کنار آرامگاه آیت‌الله خمینی، رهبر انقلاب ایران، برگزار شده و سرلشکر محمد باقری، رییس ستاد کل نیروهای مسلح در آن سخنرانی کرده است.

روزنامه آسیا در شماره صبح پنجشنبه خود، در تیتیر یک صفحه اول را به یادداشتی به قلم محمدباقر تاج‌الدین با عنوان «استبداد؛ بدترین بدی‌ها است» یک نقل قول از آلبر کامو آورده که گفته بود «هیچ یک از بدی‌هایی که استبداد مدعی مبارزه با آن‌ها است، بدتر از خود استبداد نیست» و نوشت: «تقریباً تمامی حکومت‌های استبدادی در طول تاریخ ادعا داشتند که در حال مبارزه با بدی‌ها هستند و این در حالی بود که خود بدترین بدی بودند.»

این روزنامه در ادامه نوشته است: «استبداد از آن رو بدترین بدی محسوب می‌شود که راه را بر تمام آزادی‌ها و برابری‌ها می‌بندد و با ایجاد انحصار، تمامی مناصب ناشی از قدرت و ثروت را در بین خودی‌ها تقسیم می‌کند و کثیری از مردمان جامعه را از قدرت و ثروت موجود محروم می‌سازد.»

این روزنامه صبح تهران، نوشت: «حکومت‌های استبدادی مدعی‌اند که در حال مبارزه با بی‌عدالتی، استعمار، استثمار، تهاجم دشمنان، فقر و محرومیت و سایر بدی‌های موجود هستند اما در واقع نمی‌خواهند اقرار کنند که نوع حکومت‌شان بدتر از تمامی بدی‌های موجود است و از اساس تمامی بدی‌های موجود محصول بدی استبداد است که در صورت برطرف شدن آن می‌توان امیدوار بود که سایر بدی‌ها نیز از جامعه محو خواهند شد.»

روزنامه دولتی ایران صفحه اول خود را بدون هیچ اشاره‌ای به اعتراضات داخلی، تماماً به سخنرانی روز گذشته ابراهیم رئیسی، رییس‌جمهوری ایران در هفتاد و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک اختصاص داده و با عنوان «صدای رسای مردم ایران» جملات این سخنرانی را برجسته کرده. تصویر صفحه اول ایران، ابراهیم رئیسی در مجمع عمومی در حالی است که عکس قاسم سلیمانی را نشان می‌دهد.

رئیسی در سازمان ملل، بدون نام بردن از مهسا امینی از واکنش‌ها به جان باختن او انتقاد کرده بود.

این روزنامه در صفحه دوم خود در مقاله‌ای با عنوان «حقوق بشر با طعم آشوب و اغتشاش» به قلم حسام‌الدین برومند، آورده است که آمریکا و غرب از موضوع حقوق بشر به به عنوان ابزاری برای فشار علیه ایران استفاده می‌کنند.

در این مقاله آمده است: «این روزها بار دیگر دشمنان ملت ایران و پادوهای داخلی و بیرونی آنها به بهانه فوت مرحومه مهسا امینی، با عده‌گشایی‌های سیاسی و مغرضانه از حقوق بشر دم می‌زنند و یقه می‌درانند که چرا حقوق بشر رعایت نشده است و توپخانه‌های رسانه‌ای و لجن‌پراکن آن‌ها مشغول پمپاژ دروغ و فضا سازی هستند.»

در حالی که رئیسی هنگام سخنرانی خود عکس قاسم سلیمانی را در سازمان ملل بالا برد که جوانان در ایران تصاویر خامنه‌ای و سلیمانی را به آتش کشیدند.

محمدرضا نقدی، معاون هماهنگ کننده سپاه پاسداران با اظهار نظر در خصوص اعتراضات روزهای اخیر مردم به کشته شدن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد، مرگ او را «اتفاقی» خوانده است. نقدی گفته است: «امپراتوری رسانه‌ای دشمن فوت اتفاقی یک خانم را دستاویز رسانه‌های خود قرار داده است.»

این مقام ارشد سپاه پاسداران افزود: «اگر تهمت‌زنندگان و توهین‌کنندگان به نیروهای انتظامی را محاکمه و مجازات نکنند، امنیت کشور را به مخاطره انداخته‌اند و مردم آن‌ها را نخواهند بخشید.»

در حالی که اعتراضات مردم به مرگ مهسا امینی توسط گشت ارشاد وارد ششمین روز خود شده است، روزنامه کیهان وابسته به آیت‌الله خامنه‌ای در شماره روز پنجشنبه خود، اعتراضات روزهای گذشته را «اغتشاش» خواند و نوشت که «خواسته مردم آگاه ایران این است، به جنایتکاران امان ندهید.»

این روزنامه همچنین پیش‌بینی کرد «مردم با بصیرت و انقلابی» به زودی میدان دار خواهند شد. کیهان نوشت: «تیپ و مختصات التهابات و ناآرامی‌ها در برخی شهرهای ایران حاکی از آن است که اغتشاشگران، سازمان‌یافته و آموزش‌دیده بوده و صحنه‌گردانان درصدد آنند تا با فعال کردن داعشی‌های وطنی، فتنه ۸۸ و آشوب‌های آبان ۹۸ در ابعاد وسیع‌تری تکرار شود.»

از استانبول تا بیروت، کلن و نیویورک و تورنتو شمار زیادی از ایرانیان به خیابان آمدند تا همزمان در اعتراض به سفر ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور حکومت اسلامی ایران به سازمان ملل و مرگ مهسا امینی تجمع کنند. همزمان با موج اعتراض‌ها که کشور ایران را فرا گرفته، برخی از هنرمندان و سینماگران حجاب‌شان را برداشته‌اند، از جمله بازیگر سریالی که آیت‌الله خامنه‌ای آن را ستوده است. بعضی مانند مهران مدیری با خشم صدا و سیما را تحریم و بعضی مانند مسعود کیمیایی، سایر هنرمندان را به اعلام موضع دعوت کرده‌اند.

موج اعتراض‌ها با حجاب از سر برداشتن یا به تعبیری «کشف حجاب» شماری از بازیگران زن در فضای عمومی آغاز شد که شناخته‌ترین آن‌ها کتابون ریاحی بود. او که در سریال یوسف پیامبر، مجموعه مورد علاقه خامنه‌ای نقش زلیخا را بازی کرده، با نشان دادن تصویر بی‌حجاب خود، به خانواده مهسا امینی تسلیت گفت و تاکید کرد که دیگر وقت دروغ گفتن نیست.

ابی و داریوش، دو خواننده سرشناس در جمع مخالفان در نیویورک حضور یافتند. حامد اسماعیلیون، سخن‌گوی انجمن خانواده‌های پرواز پی‌اس ۷۵۲ در نیویورک در میان ایرانیان حاضر شد و در پیامی خطاب به پدر مهسا امینی، با او ابراز همدردی کرد.



نقشه گسترده‌ی اعتراضات مردمی پس از کشته شدن مهسا امینی

اعتراض دانشجویان در دانشگاه‌های تهران در روز چهارشنبه

حضور سنگین و با شکوه دانشجویان در صحن دانشگاه‌ها و خیابان‌ها نشان‌دهنده بیداری مجدد این طیف اجتماعی است که در حوزه سیاست نیز گفتنی‌های بسیار دارد. اغلب دانشگاه‌های بزرگ تهران شاهد اعتراضات و تجمعات بودند.

...

دانشگاه‌های تهران روز چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ عرصه تظاهرات دانشجویی علیه حکومت اسلامی بودند. تاکنون دانشجویان در دانشگاه‌های تهران، بهشتی، علامه، الزهرا تظاهرات خود را آغاز کرده‌اند.

در دانشگاه تهران شعارهای «نه روی سری، نه توسری، آزادی، برابری»؛ «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر»، «ننگ ما، ننگ ما، بسیج‌الدنگ ما»؛ در دانشگاه الزهرا، شعار: «الزهرا، الزهرا، طالب خون مهسا» و در دانشگاه علامه شعار «ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بجنگیم» و... به گوش می‌رسید.

در ارومیه تظاهرات مردمی به صحنه جنگ با نیروهای سرکوبگر تبدیل شد. مردم اسرای خود را از چنگ نیروهای انتظامی بیرون می‌آوردند و آن‌ها را فراری می‌دادند.

دانشجویان دانشگاه‌های ایران با سر دادن شعارهایی علیه علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی برای چهارمین روز به قتل مهسا امینی اعتراض کردند.

دانشجویان دانشگاه الزهرا در تهران، چهارشنبه ۳۰ شهریور در محوطه این دانشگاه تجمع کرده و با سر دادن شعارهایی از جمله «توپ، تانک، فشفشه، آخوند باید گم بشه» با نیروهای بسیج و حراست دانشگاه که سعی داشتند معترضان را متفرق کنند، مقابله کردند.

دانشجویان دانشگاه تهران نیز امروز در محوطه این دانشگاه تجمع کرده و شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند. دانشگاه علامه هم شاهد چندین اجتماع توسط دانشجویان معترض بود و شعارهایی چون «فقر، فساد و بیداد، مرگ بر این استبداد»، «ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بجنگیم» و «دانشجو بیدار است، از استبداد بیزار است» توسط آن‌ها سر داده شد.

دانشجویان دانشگاه بهشتی هم با بسیجیان این دانشگاه که خواستار ممانعت از برگزاری تجمع اعتراضی دانشجویان بودند، درگیر شده و شعار «بسیجی برو گمشو» و «بسیجی، بسیجی، مهسامون رو تو کشتی» سر دادند.

تصاویری هم از آتش‌زدن روسری توسط دانشجویان دانشگاه سمنان در محیط این دانشگاه منتشر شده است.

دانشگاه علوم پزشکی تبریز نیز در اعتراض به کشته‌شدن مهسا امینی شاهد اعتراض دانشجویان بود.

دانشجویان دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات هم با شعار «می‌کشم، می‌کشم، هر آن که خواهرم کشت» به قتل مهسا امینی اعتراض کردند.



جانباختگان روزهای اخیر

دستکم ۹ نفر در پنج روز اعتراض‌های مردمی در شهرهای مختلف ایران کشته شده‌اند. با گذشت پنج روز از اعتراض‌ها در شهرهای مختلف ایران، آمار دقیقی از میزان کشته‌شدگان، زخمی‌ها و بازداشت‌شدگان در دست نیست. استاندار کردستان کشته شدن سه نفر را در این استان تایید کرده، دادستان کرمانشاه هم از کشته شدن دو نفر در این شهر خبر داده است. رادیو فردا تاکنون از تایید کشته شدن شش معترض حکایت دارد. خبرگزاری ایرنا هم از کشته شدن یک همیار پلیس در شیراز خبر داده است. اعتراضاتی که به‌دلیل خشونت نیروهای گارد ویژه و نیروهای امنیتی و تیراندازی مستقیم، به کشته و زخمی شدن تعدادی از معترضان منجر شده است. گفته می‌شود فریدون محمودی روز ۲۸ شهریور در شهر سقز در اثر اصابت گلوله جان خود را از دست داد. فواد قدیمی در شهر دیواندره روز ۲۸ شهریور در اثر اصابت گلوله زخمی شده بود. وی روز ۳۰ شهریور در بیمارستان کوثر سنجندج جان خود را از دست داد. محسن محمدی یکی دیگر از معترضان در شهر دیواندره است که روز ۲۸ شهریور هدف گلوله مستقیم قرار گرفت. رضا لطفی، دیگر معترضی است که روز ۲۸ شهریور در شهر دهگلان هدف گلوله ماموران گارد ویژه قرار گرفت، و فرجاد درویشی در شهر ارومیه در روز ۲۹ شهریور بر اثر اصابت گلوله جان باخته است. زکریا خیال، نوجوان ۱۶ ساله هم روز ۲۹ شهریور در شهر پیرانشهر به‌دلیل اصابت گلوله جان باخته است. علاوه بر این آمار، منابع حقوق بشری از جان باختن تعداد دیگری از معترضان خبر می‌دهند؛ از جمله شبکه حقوق بشر کردستان از هاجر عباسی، زن مه‌آبادی به‌عنوان یکی از کشته‌شدگان نام برده و اعلام کرده که خانم عباسی بر اثر اصابت گلوله ساچمه‌ای به صورتش، زخمی شده و جان باخته است. این شبکه همچنین گزارش داده که در جریان اعتراضات روز سه‌شنبه در شهر کرمانشاه یک زن ۵۵ ساله به نام مینو مجیدی با شلیک نیروهای ضدشورش کشته شده است. در این میان شهرام کرمی، استاندار کرمانشاه، ادعا کرده که دو جان‌باخته این استان با سلاح‌های غیرسازمانی هدف قرار گرفته‌اند. استاندار کردستان هم روز ۲۹ شهریور درباره کشته شدن سه نفر از معترضان در شهرهای این استان گفته بود که یکی از آن‌ها که از اهالی شهر دیواندره بود با سلاح جنگی کشته شده است. اسماعیل زارعی‌کوشا بدون اشاره به هویت این افراد، گفته بود که فرد دیگری با همان شرایط در خودرویی در کنار بیمارستان سقز پیدا شده و در مورد فرد سوم نیز گفت که موضوع در دست بررسی است. همزمان خبرگزاری ایرنا گزارش داده که در جریان تجمع شامگاه ۲۹ شهریور در شیراز سه مامور انتظامی مجروح شده‌اند و یک همیار پلیس نیز بر اثر شدت جراحات، جان خود را از دست داده است.

موج بازداشت‌ها

* در رشت ۲۲ نفر بازداشت شدند. حسین حسن‌پور، جانشین فرمانده انتظامی گیلان گفت که ۲۲ نفر در رشت بازداشت شدند. او افراد بازداشت شده را از عاملان «اغتشاش، تحریک، تعرض به شهروندان، تخریب اموال عمومی و ایراد خسارت به واحدهای صنفی در شهر رشت» توصیف کرد.

مسعود و خسرو کردپور از روزنامه‌نگاران آژانس خبری موکریان سه‌شنبه شب بازداشت شدند. فرانک رفیعی، باران ساعدی، ماهرو هدایتی، آزاده جماعتی و بهار زنگی‌بند از فعالین زنان شهر سنندج در روزهای اخیر توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند و تاکنون اطلاعی از وضعیت آن‌ها در دست نیست. امیر غلامی هنرمند فیلمساز و از فعالین مدنی شهر سنندج توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و تاکنون اطلاعی از وضعیت وی موجود نمی‌باشد. گشین محمدیان و فرهاد سنندجی از فیلمسازان و فعالین مدنی شهرستان سنندج در روزهای اخیر توسط نهادهای امنیتی بازداشت شده‌اند.

اوین راستی از فعالین زنان مریوان روز گذشته سه‌شنبه ۲۹ شهریور توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. احسان فاتحی روز دوشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۱، هنگام بازگشت از محل کارش و در جریان بازداشت های فله‌ای در کامیاران بازداشت شده است. براساس گزارش‌های منتشرشده روز گذشته ۲۹ شهریورماه، یک شهروند جوان با هویت «کاوه کریمی» (کاویان کریمی) در جریان اعتراضات به قتل مهسا امینی در خیابان فردوسی این شهر توسط ماموران امنیتی بازداشت شد.



واکنش الیف شفق به جان باختن مهسا امینی
نامش را به زبان بیاورید

پیام نویسنده مشهور ترکیه ، الیف شفیق در رابطه با جانباختن مهسا(ژینا)

نامش را به زبان بیاورید .

یادش را با عشق و احترام زنده نگه دارید!

الیف شفق(شفاک)، نویسنده مشهور ترکیه‌ای-بریتانیایی با انتشار پستی در اینستاگرام، برای جان باختن مهسا امینی اظهار همدردی کرده است و نوشته «آن قدر غمگین بودم که کل روز نمی‌دانستم چه باید نوشت.»
خانم شفق که بسیاری از کتاب‌هایش در ایران هم ترجمه شده و به فروش می‌رسد، در پست اینستاگرام خود همراه با عکسی از مهسا امینی نوشته: «نامش را به زبان بیاورید. یادش را با عشق و احترام زنده نگه دارید.»
خانم شفق در پایان پیام خود مهسا امینی را خواهر خطاب کرده و نوشته: «ما از سرزمین‌های مشابه، جغرافیا و فرهنگ‌های مشابه می‌آییم. قلبم برایت به درد آمده خواهر.»

تجلیل از مهسا امینی در سخنرانی رییس جمهور شیلی در سازمان ملل

در مجمع عمومی سازمان ملل امسال برای نخستین بار دو رئیس جمهور چپ گرا از دو کشور آمریکای لاتین سخنرانی کردند.

گابریل بورچ رییس جمهور شیلی در مجمع عمومی سازمان ملل فراموش نکرد در پایان سخنرانی خود از مهسا امینی دختر ۲۲ ساله کرد ایرانی که آخرین قربانی حجاب اجباری در ایران است یاد کند. بورچ با اشاره به قتل مهسا امینی خواستار بسیج جهانی برای توقف خشونت علیه زنان در ایران شد.

او در سخنرانی خود به بحران‌های جهانی که گریبان‌گیر چندین کشور جهان است اشاره کرد.

رییس جمهور شیلی به وضعیت دراماتیک در آمریکای مرکزی اشاره کرد و از کشورها خواست «به کار خود برای کمک به آزادی زندانیان سیاسی در نیکاراگوئه ادامه دهند».

وی همچنین افزود که کشورها، همچنین باید تلاش کنند تا در هیچ کجای دنیا، داشتن افکار متفاوت از دولت در قدرت، به آزار و اذیت یا نقض حقوق بشر منجر نشود.

او با اشاره به رد قانون اساسی مترقی این کشور در رفراندوم اخیر، گفت: شیلی به زودی قانون اساسی‌ای خواهد داشت که نشان‌دهنده میل به عدالت و آزادی است. وی همچنین تأکید کرد «تا وقتی مردم حرف می‌زنند، یک دولت نباید احساس شکست کند».

وی افزود: «جنگ تهاجمی ناعادلانه‌ای که توسط روسیه در اوکراین به راه انداخته شد، قیمت سوخت را بالا برد و باعث کمبود غلات و کود شد و تأثیر شدیدی بر اقتصاد ما گذاشت.» او گفت با مردم اوکراین اعلام همبستگی می‌کند.

وی همچنین از جنگ تجاری بین ایالات متحده و چین که در سال ۲۰۱۸ در دولت قبلی دونالد ترامپ آغاز شد و همچنین بیماری همه‌گیری که اقتصاد جهانی را بی‌ثبات کرد و اقتصاد شیلی را نیز تحت تأثیر قرار داد، انتقاد کرد.

گروه هکری انانیموس (Anonymous) از آغاز جنگ سایبری علیه حکومت ایران خبر داد

این گروه هکری در پیامی ویدیویی خطاب به مردم ایران گفت که تنها نیستند... نمی‌گذاریم حکومت اسلامی در اینترنت زنده بماند.



مشهورترین گروه هکری جهان که در معرفی خود می‌گوید به دنبال به نمایش گذاشتن نقش حقوق بشر است، در روزهای اخیر ویدیوهای متعددی از اعتراض‌های مردمی در ایران در اعتراض به درگذشت مهسا امینی منتشر کرده است. این گروه هکری در باز نشر این ویدیوها از هشتگ فارسی و انگلیسی مهسا امینی استفاده می‌کند که میلیون‌ها بار منتشر شده است.

این گروه هکری که پنجونیم میلیون دنبال کننده در توییتر دارد، در پیامی ویدیویی خطاب به مردم ایران گفت که تنها نیستند و اجازه نمی‌دهد سرکوب مردم ایران ادامه پیدا کند.

به گزارش ایسنا، گروه «انانیموس» با انتشار پیامی اعلام کرد هک کردن سایت دولت به نشانی www.dolat.ir توسط این گروه انجام شده است.

این گروه همزمان با اعتراض‌های خیابانی در تهران و برخی شهرهای کشور اعلام کرد: «ما این‌جا همراه شما هستیم. عملیات علیه ایران آغاز شد. منتظر ما باشید.»

انانیموس به معنای گمنام است و به گفته خودش گروهی نامتمرکز از متخصصان امنیت شبکه‌های رایانه‌ای است که به صورت ناشناس به عنوان هکتویسم فعالیت می‌کند. این گروه هشدار داده است که به حکومت اسلامی اجازه نمی‌دهد در اینترنت زنده بماند و آن را خاموش خواهد کرد.

هشدار عفو بین‌الملل

سازمان «عفو بین‌الملل»، در بیانیه‌ای با هشدار نسبت به تداوم سرکوب‌های خونین معترضان در ایران، خواستار اقدام فوری جهانی و تشکیل یک سازوکار تحقیقی و قضایی مستقل به منظور پاسخگو کردن عاملان سرکوب‌های سیاسی در ایران شد.

عفو بین‌الملل، بامداد پنجشنبه ۳۱ شهریور، اعلام کرد: «سرکوب خونین اعتراضات مردم ایران در پی جان باختن مهسا امینی در بازداشت پلیس، نیازمند اقدام فوری و ملموس جهانی است تا به مصونیتی که به مقامات حکومت اسلامی اجازه داده به صورت گسترده به شکنجه، کشتار و اعدام‌های فرمایشی اقدام کنند، رسیدگی شود».

دیانا الطحاوی، معاون مدیر خاورمیانه و شمال آفریقا در عفو بین‌الملل، گفت: «تازمترین سرکوب وحشیانه اعتراضات در ایران، در حالی انجام می‌شود که همزمان ابراهیم رئیسی، در سازمان ملل متحد سخنرانی می‌کند.»

در بیانیه این سازمان آمده است: «رهبرانی که به نمایندگی از کشور خود در مجمع عمومی سازمان ملل حاضر شده‌اند، باید از ایجاد یک مکانیسم مستقل رسیدگی و پاسخگویی حمایت کنند، تا حکومت ایران نتواند از مجازات و عواقب اعمالش بگریزد.»

عفو بین‌الملل در بیانیه خود اعلام کرد که به تازگی با کشته شدن مهسا امینی، حکومت با رگبار گلوله با «معترضان به قتل او» برخورد می‌کند.

بیانیه تاکید دارد مصونیت از مجازات، به حکومت اسلامی اجازه داده که «شکنجه‌های گسترده، اعدام‌های فراقانونی و دیگر قتل‌های غیرقانونی توسط مقام‌های ایرانی در پشت دیوارهای زندان» را بی‌وقفه ادامه دهد.

زنان لبنانی در حمایت از مهسا امینی

شماری از زنان لبنانی به همراه گروهی از زنان کرد در اعتراض به مرگ مهسا امینی دختر سقزی در مرکز شهر بیروت تجمع برگزار کردند.

آن‌ها پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن‌ها به زبان عربی نوشته شده بود: «زننده باد مقاومت زنان در ایران، زنده باد مقاومت زنان کرد در ایران.»



آن‌ها همچنین عکس‌هایی از مهسا (ژینا) امینی دختر ۲۲ ساله ایرانی را در دست داشتند. این زنان روسری‌های خود را از سر در آوردند و آن‌ها را در دست‌هایشان تکان می‌دادند. روی پلاکاردهای دیگر شعارهایی مانند: «زیبایی ژینا بر زشتی مردانگی پیروز شده است»، «زن زندگی است، زندگی را نکش» و «ژینا امینی، تو یک انقلاب شدی» نوشته شده بود. دیلان حسن از سازمان‌دهنده‌های این اعتراض گفت: «همه دنیا شاهد بودند که چگونه دختر کرد ژینا امینی پس از شکنجه از سوی گشت ارشاد به اتهام رعایت نکردن حجاب جان باخت.» بشری علی، رییس یک انجمن مربوط به حقوق زنان گفت: «زنان باید آزاد باشند و فرهنگ خشونت علیه زنان متوقف شود. کشتار زنان به هر شکل باید متوقف شود.»

تجمع اعتراضی در استانبول ترکیه با آتش زدن روسری‌ها و کوتاه کردن موها

همزمان گروهی از شهروندان ترکیه و زنان و مردان ایرانی ساکن این کشور روبه‌روی کنسولگری ایران در استانبول اقدام به برگزاری تجمع کردند.



تجمع اعتراضی در استانبول ترکیه

برخی از این زنان روسری‌هایی را که در دست داشتند به آتش کشیدند. برخی نیز اقدام به قیچی کردن موهای خود کردند.

طبق آمارها پیش بینی می‌شود حدود ۱۲۰ هزار ایرانی در ترکیه زندگی می‌کنند.

بیانیه انجمن قلم ترکیه در حمایت از خیزش مردم ایران

مهسا امینی، ۲۲ ساله در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۹۱ در تهران پایتخت ایران، پس از بازداشت توسط گشت ارشاد موسوم به «پلیس اخلاق»، به بهانه این‌که پوشش و حجابش خلاف اسلام است مورد ضرب و شتم قرار گرفت و جان باخت.

سال‌هاست که زنان ایرانی تحت عنوان «احکام شرعی»، به‌ویژه تحمیل حجاب و دخالت در زندگی خود، مبارزه می‌کنند.

با اعتقاد به موجه بودن اعتراضات مردمی برای آزادی، باید رژیم ایران فوراً اقدامات منسوخ شده را کنار بگذارد. هیچ سیستم اعتقادی در این دنیا، بالاتر از انسانیت نیست.

خلیل ابراهیم اوزجان

دومین پرزیدنت انجمن قلم ترکیه

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲

شعارهایی که در اعتراضات اخیر در شهرهای مختلف سر داده شده‌اند

زن، زندگی، آزادی

کار، نان، آزادی

مرگ بر جمهوری اسلامی

مرگ بر دیکتاتور

از کردستان تا تهران ستم علیه زنان

از سقز تا تهران، مرگ بر ظالمان

از سقز تا خوزستان، ستم علیه زنان

ننگ ما ننگ ما، پلیس الدنگ ما

این آخرین پیامه، هدف خود نظامه

تجمع با شعار حکومت ضد زن نمی‌خوایم، نمی‌خوایم

بسیجی حیا کن، مملکت رو رها کن

بیگاری، بیکاری، حجاب زن اجباری

به نام دین و قانون حلال شده خونمون

خونین سرای ایران از کردستان تا تهران

بسیجی برو گم شو

مرگ بر بسیجی

بسیجی، بسیجی، ننگ به نیرنگ تو خون جوانان ما می‌چکد از چنگ تو

حراست کذایی قاتل ما شمایی
 حراست و سپاهی پیوندتان مبارک
 ما همه مهسا هستیم به جنگ تا بجنگیم
 رهایی حق ماست قدرت ما جمع ماست
 حاصل این عدل و داد ۵۰ سال استبداد
 توپ تانک فشقه، آخوند باید گم بشه
 مرگ بر دیکتاتور
 کشتن برای روسری تا کی چنین خاک بر سری
 فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون
 خیابونا غرق خون، استادامون خفه خون
 استادامون ذلین، ذلتو می پذیرن
 حراست کذایی قاتل ما شمایی
 حراست و سپاهی پیوندتان مبارک
 کردستان، کردستان، گورستان فاشیستان
 بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم
 نه روی سری، نه توسری، آزادی، برابری
 مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر
 در دانشگاه الزهرا، شعار: «الزهرا، الزهرا، طالب خون مهسا»
 در دانشگاه علامه شعار: «ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بجنگیم»

مطالبات جنبش‌های اجتماعی

جنبش‌های اجتماعی سرنوشت جوامع را رقم می‌زنند. برای قدرتیابی جنبش‌ها به مجموعه‌ای به هم پیوسته از روابط میان شهروندان احتیاج دارد. اگر شهروندان در مجموعه‌ای از روابط شبکه‌ای (به صورت افقی) به یکدیگر متصل شوند، در آن صورت، پیش‌برد امر جنبش توسط سازمان‌دهندگان، چندان پیچیده‌ای نبوده و به سهولت انجام می‌گیرد. در عین حال، جنبش‌ها زمانی موفق می‌شوند که به‌طور هم‌زمان جسورانه و هدفمند و پیگیر حرکت کنند. سازمان‌دهندگان و سخن‌گویان این جنبش‌ها، افق و چشم‌انداز جنبش و چه باید کرده‌ای آن را به‌طور شفاف به اطلاع جامعه می‌رسانند.

بنابراین ضرورت دارد که سازمان‌دهندگان شبکه‌های مختلف مردمی در ارتباط مداوم با همدیگر قرار گیرند و با شور و مشورت شعارها و سمت سوی جنبش را تعیین می‌کنند.

بی‌گمان باید استراتژی سازمان‌دهندگان باید به این شکل باشد که هدف خود و همچنین مطالبات و خواسته‌های جامعه را به درستی بیان کنند و به واسطه پشوانه مردمی از توانایی لازم برای ایجاد تغییر برخوردار گردند. بهترین سازمان‌دهی جنبش‌های اجتماعی، تشکیل شوراها در هر سطحی از محیط کار گرفته تا محلات است. شورا محلی است برای شور و مشورت و انتخاب نمایندگان برای یک دوره معین.

در چنین روندی و قبل از این که وارد جان باختن مهسا امینی و اعتراضات خیابانی بپردازم تاکید به چند مسئله را برای هدفمند کردن مطالبات و خیزش اخیر مردمی، بسیار حیاتی می‌دانم از جمله:

مردم باید بدانند پس از این که حکومت مستبدی و سرکوبگری همچون حکومت اسلامی را از سر راه خود بردارند چه چیزی را می‌خواهند جایگزین کنند؟ برای مثال:

۱- مردم باید بدانند که در آینده از آزادی و برابری و رفاه و عدالت عمومی برخوردار خواهند گردید. مردم باید بدانند که در حاکمیت آینده همه کودکان جدا از موقعیت والدین خود تا ۱۸ سالگی از تحصیل و بهداشت رایگان برخوردار خواهند شد.

۲- زنان و مردان در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از حقوق یکسان و برابر برخوردار خواهند شد. بنابراین گفتن این که زنان از آزادی پوشش برخوردار باشند هیچ‌گونه خرجی و هزینه‌ای برای گرایش‌های سرمایه‌داری ندارد در حالی که اگر زنان باید در همه عرصه‌هایی که بدان‌ها اشاره کردیم از حقوق یکسان و برابری با مردان برخوردار باشند برای مثال، همه زنان خاندان باید از بیمه بیکاری و حقوق بیکاری و بازنشستگی برخوردار گردند حرفی به میان نمی‌آورند.

۳- از هم اکنون باید روشن گردد که در آینده بیکاران و بازنشستگان و کسانی که به هر دلیلی قدرت و توانایی کار کردن ندارند از حقوق مکفی برخوردار خواهند شد.

۴- باید روشن گردد که دستمزد همه مزدبگیران متناسب با هزینه‌های خانوار و تورم تعیین می‌گردد و قرار نیست یک نفر کار کند و هزینه سه نفر از اعضای خانواده‌اش را تعیین کند. پس باید هر شهروندی حق و حقوق خودش را داشته باشد.

۵- دستمزد همه مزدبگیران و بازنشستگان و بیکاران و معلولین کشور، یکسان باشد و هیچ‌گونه تبعیضی و تفاوتی وجود نداشته باشد.

۶- همه مزدبگیران و بازنشستگان و بیکاران و معلولین از درمان و بهداشت رایگان برخوردار گردند.

۵- همه احزاب و سازمان‌ها و جنبش‌ها و گرایش‌های سیاسی، باید از هم اکنون متعهد شوند که آزادی و استقلال رسانه‌ها و آزادی بیان و اندیشه و تشکل بدون قید و شرط به رسمیت می‌شناسند.

۶- اما تشکیلات احزاب و اتحادیه‌های ناسیونالیستی و مذهبی نباید آزاد باشد. چون که نهایتاً چنین تشکلهایی شهروندان را به درگیری ملی و مذهبی در کشوری پهناوری همچون ایران می‌کشاند؛ در کشوری که ملیت‌ها و مذاهب مختلفی حضور دارند صف‌بندی‌های نژادپرستانه و مذهبی شهروندان را به جنگ و درگیری می‌کشاند.

۷- زبان‌های مادری در همه سطوح آموزش ابتدایی و متوسط و دانشگاه و همچنین ادارات آزاد باشد. استان‌های مختلف ایران (کمون‌ها و شهرداری‌ها و شوراها) می‌توانند منطقه خود را از هر نظر مدیریت کنند.

۸- مذهب کاملاً امر خصوصی شهروندان تلقی شود و حق دخالت در هیچ‌کدام از عرصه‌های سیاسی و فرهنگی و آموزش و قضایی ندارد. به علاوه باید همه ثروت‌های امکان به اصلاح مقدس و مذهبی، ملی اعلام گردد و حاکمیت و هیچ کدام از نهادهای دولتی و مدیریتی حق ندارند به نهادهای مذهبی کمک مالی کنند. مهم‌تر از همه، به‌طور کلی کلیه روحانیون و ملاها موظف گردند مانند همه شهروندان عادی کشور لباس معمولی تن کنند و جویای کار گردند. کلیه اماکن و مراکز مذهبی در خدمت عموم قرار گیرد و به عنوان مان‌های اجتماعات و برنامه‌های مختلف مردمی مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

۹- هرگونه آزادی‌های فردی و جمعی و اعتصاب و اعتراض آزاد است.

۱۰- اعدام قتل عمدی دولتی محسوب می‌شود و به همین دلیل باید ملغی گردد. همچنین هیچ شهروندی به هیچ‌وجه به دلیل بیان افکار خود و فعالیت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی تحت پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد و آزاد است. مهم‌تر از همه، هرگونه شکنجه روحی و جسمی ممنوع است.

۱۱- جامعه ایران محکوم به این جبر تاریخی نیست که فردی را به‌عنوان شاه و یا شیخ انتخاب کند. آلترناتیوهای دیگری همه براری اداره جامعه وجود دارد که مهم‌ترین و کارترین و موثرترین و مردمی‌ترین شکل اداره جامعه، روابط و مناسبات شورایی است. یعنی همه شهروندان جامعه در همه امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دیپلماسی و امنیت و غیره دخالت مستقیم داشته باشند و برای هر کدام از امورات سیاسی، نظامی، قضایی، آموزشی، هنری و... کشور، کمیسیون‌های تخصصی تعیین کنند.

۱۲- معترضین حق دارند با هر ابزاری در مقابل نیروهای سرکوبگر تا دندان مسلح از خود دفاع کنند. بنابراین کسانی که به مردم توصیه می‌کنند خشونت به خرج ندهند عملاً از مردم می‌خواهند به هرگونه جنایت و سرکوب حاکمیت گردن بگذارند و اگر هم اعتراض کردند این اعتراض مسالمت‌آمیز باشد. در حالی که حکومت فرزندان جوان مردم می‌کشد و در خیابان‌ها مستقیماً به مردم و به قصد کشت تیراندازی می‌کنند آن وقت برخی‌ها باز هم از مردم می‌خواهند دست به خشونت نزنند. در حالی که حق طبیعی مردم است با هر ابزاری در مقابل نیروهای سرکوبگر بایستند و حتی اسلحه‌های آن‌ها گرفتند در جایی مخفی کنند تا در روز و روزگار ضروری از آن‌ها استفاده کنند. یعنی تا روزی که نیروهای سرکوبگر عقب‌نشینی نکرده و سلاح خود را زمین نگذاشته‌اند مردم حق دارند دست به اسلحه ببرند و از خود دفاع کنند. این خشونت نیست به عقب‌نشینی وادار کردن نیروهای سرکوبگر تا دندان مسلح است. در واقع در قیام‌ها و انقلاب‌ها بیش‌ترین قربانی را می‌دهند و گاهی نیز سرکوبگران به دست مردم کشته می‌شوند. اما زمانی که بساط حکومت برچیده شد و زندانیان سیاسی و اجتماعی آزاد شدند و مراکز نظامی و امنیتی و سیاسی حکومت به دست مردم افتاد آن‌موقع است که می‌توان گفت عوامل نظامی و سیاسی حکومت را نباید کشت و نباید هم با آن‌ها بدرفتاری کرد و دست به انتقام‌جویی زد. آن‌ها اسیر مردم و نهادهای انقلابی هستند و با اسیر نه تنها نباید بدرفتاری کرد تا چه برسد به کشتن آن‌ها. باید گذاشت دادگاه‌های مردمی درباره آن‌ها قضاوت کنند نه مردم.

۱۳...

آن‌چه که گفته شد مطالبات و خواسته‌های حداقلی است که هر جنبش موفق به آن‌ها اهمیت ویژه می‌دهد و در تحقق همه آن‌ها لحظه‌ای درنگ نمی‌کنند.

در جمع‌بندی می‌توانیم تاکید کنیم که ۴۴ سال است مطالبات مردم ایران روی هم انباشته شده و به مطالبات بر حق اعتراضات و اعتصابات با سرکوب شدید و کشتار جواب داده شده است. اکنون بیکاری و گرانی و فقر و ناداری و آسیب‌های اجتماعی در ایران، غوغا می‌کند.

در چنین شرایطی، همه سران و مقامات و نهادهای حکومتی و در راس همه علی‌خامنه‌ای، هر روز نگرانند که قیام و انقلاب مردم از کردستان، آذربایجان، تهران، رشت، اهواز و یا هر گوشه دیگر کشور شروع شود و حکومت در زمان کوتاهی سرنگون گردد.

خشم عمومی و سراسر جامعه ایران از کشته شدن مهسا امینی دختر ۲۲ ساله سقزی حین بازداشت به‌دست ماموران گشت ارشاد، این نگرانی همه سران و مقامات و نهادهای حکومتی را جدی‌تر از گذشته کرده است. بسیاری از مردم که به دلایل مختلف و مشکلات متعدد از حکومت اسلامی خشمگین و ناراضی و عصبانی هستند، از کشتن یک دختر ۲۲

ساله، به شدت خشمگین‌اند. فعالان سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی، هنرمندان، بازیگران و کارگردانان سینما، ورزشکاران سرشناس، نویسندگان و نهادهای مردمی و اغلب سازمان‌ها و احزاب اپوزیسیون در خارج کشور، به این خیزش مردمی پیوسته‌اند و یا برخی سازمان‌ها و گرایش‌های سیاسی، ناچار شده‌اند همراهی خود را نشان دهند. با وجود این، به نظر می‌رسد نوعی خشم سراسری خودجوش راه افتاده و روزی‌به‌روز به قدرت سیاسی و اجتماعی آن در مقابل حکومت وسیع‌تر و گسترده‌تر می‌شود. چنین وضعیتی بی‌تردید می‌تواند نگرانی سران و مقامات حکومت را تشدید کند به طوری که بین نیروهای سرکوبگر اختلاف روی دهد و از دستورات فرماندهان خود سرپیچی کرده و با سلاح‌های خود به صفوف مردم معترض بپیوندند. نمونه این سرپیچی در شهریار نزدیکی تهران گزارش شده است. اکنون بزرگ‌ترین دغدغه و نگرانی اصلی حکومت اسلامی خطر قیام سراسری مردم ناراضی و خشمگین است. بر اساس آخرین محاسبات، سبد معیشت خانوارهای متوسط کارگری حدود ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است و یک شکاف عظیم میان هزینه‌های زندگی و دستمزد وجود دارد؛ این شکاف بیش از ۶۳ درصد است.



توان خرید گوشت مرغ برای کارگران به کمترین میزان ممکن رسیده است؛ فرض کنیم مرغ در بهترین حالت با قیمت کیلویی همان ۶۰ هزار تومان در بازار پیدا شود؛ برای خرید یک مرغ سه کیلوگرمی، باید ۱۸۰ هزار تومان پرداخت (قیمت‌های در دسترس با احتساب کیلویی لااقل ۶۵ هزار تومان نزدیک ۲۰۰ هزار تومان است)؛ حداقل دستمزد روزانه‌ی کارگران در سال ۱۴۰۱، حدود ۱۴۰ هزار تومان است؛ اگر مزایای مزدی مثل حق مسکن، حق اولاد و سنوات را به این رقم بیفزاییم، با فرض اینکه تمام کارگران مشمول حتماً این مزایا را دریافت می‌کنند، دستمزد روزانه حداکثر به ۲۰۰ هزار تومان می‌رسد؛ بنابراین پول خرید یک مرغ سه کیلویی که در بهترین حالت با احتساب قیمت رسمی، ۱۸۰ هزار تومان و قیمت‌های غیررسمی حدود ۲۰۰ هزار تومان است، برابر با مزد روزانه‌ی یک کارگر است؛ یعنی یک کارگر اگر تمام مزد یک روز خود را بدهد، در نهایت می‌تواند یک مرغ بخرد و به خانه ببرد. یک خانواده سه نفره کارگری امروز اگر ماهی ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان درآمد ثابت ماهانه داشته باشد، می‌تواند از عهده‌ی مخارج زندگی بریباید، اجاره خانه بدهد، ماهی چند کیلو گوشت و مرغ بخرد، هزینه‌های آموزش و درمان را تامین کند و چرخ زندگی را تا اندازه‌ای بگرداند؛ اما فاصله‌ی دستمزد حدود ۷۰ درصد کارگران شاغل با این رقم حداقلی، بیش از ۶۳ درصد است.

محاسبات نشان می‌دهد در طول شش ماه ابتدای سال، سبد معیشت حدوداً ۹ میلیون تومانی به رقم ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسیده است و این یعنی تورم ۹۰ درصدی تمام هزینه‌های زندگی. آیا این تورم ۹۰ درصدی قرار است با یارانه ۳۰۰ یا نهایت ۴۰۰ هزار تومانی جبران شود؟ (سایت آفتاب نیوز)

جامعه ایران در بیش از چهار دهه اخیر، اعتراضات و اعتصابات زیادی را برگزار کرده‌اند و در این راستا تجارب فراوانی دارند. اما بزرگترین نقطه ضعف خیزش‌ها مردمی در خیابان‌ها و کارگران و سایر مزدبگیران در محل کار، پراکنده بودن و عدم اتحاد آن‌ها و پیگیری‌شان بوده است. این تجارب به ما می‌گوید که با درس‌گیری از تجارب گذشته، باید مبارزات پراکنده‌مان را با همدیگر متحد کنیم و همزمان با اعتراضات خیابانی، کارگران به‌ویژه کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی و صنایع بزرگی همچون ماشین‌سازی و همچنین مدارس و دانشگاه‌ها همزمان دست به اعتصاب و اعتراض بزنند؛ و از سویی سازمان‌دهندگان این اعتصابات و اعتراضات در ارتباط با همدیگر قرار گیرند و همواره با همدیگر تبادل‌نظر و تبادل اطلاعات داشته باشند تا متحدانه حرکت نمایند. به علاوه تا روزی که شعارها و مطالبات اعتراض و اعتصاب برآورده نشده نباید آن‌ها نیمه‌راه رها کرد.

اکنون می‌توانیم به جرات بگوییم که جامعه ایران وارد شرایط پیشا انقلاب شده و هر لحظه ممکن است انقلاب مردم حکومت را سرنگون کند. چرا که از یک سو شکاف عمیقی بین مردم و حکومت به‌وجود آمده و از سوی دیگر، حکومت کارآمدی لازم برای اداره کشور را ندارد و مشکلات اقتصادی روزمره مردم رو به افزایش است.

اکنون موضوع از حجاب اجباری اسلامی تا سفره مردم، مایحتاج روزانه و مسائل بنیادی مانند توان خرید مواد غذایی، پرداخت اجاره‌خانه و مشکل شدن امکان خرید خانه برای بسیاری از مردم مطرح است. مهم‌تر از همه، امروز دو شعار مهم، یعنی «زن، زندگی، آزادی» و «کار، نان، آزادی و اداره شورایی جامعه» مکمل یکدیگر هستند و تحقق آن‌ها، افق و چشم‌انداز نوینی در مقابل جامعه ایران قرار می‌دهد که یک بار برای همیشه از سلطه پلیسی حکومت‌های دیکتاتوری و مستبد، زن‌ستیز و آزادی‌ستیز، تبعیض‌گرا و استثمارگر رها شوند و سرنوشت خود و جامعه را مستقیماً به دست خویش رقم بزنند!

پنجشنبه سی و یکم شهریور - سنبله - ۱۴۰۱ - بیست و دوم سپتامبر ۲۰۲۲